

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۷ شهریور ۱۴۰۰ ۲۰ محرم ۱۴۴۳ ۲۹ آگوست ۲۰۲۱

سال نوزدهم • شماره ۴۰۸۲ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۱۹:۵۴

اذان صبح فردا ۵:۰۷ • طلوع آفتاب ۶:۳۵

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرا



آتش‌سوزی ۵ هکتار از نيزارهای تالاب انزلی. عکس: رضا اکبری‌کوتن‌جانی، مهر

روزگار کرونایی

تیرباران برای مقابله با کرونا

کرونا در هر کشوری مشکلات و مصائب خاصی را به دنبال داشت؛ اما در کشور کره‌شمالی خبری از وضعیت مبتلایان داده نشده است؛ تنها چند وقت پیش، خبر رسید یکی از مبتلایان به علت عدم رعایت مسائل قرنطینه اعدام شد. به‌تازگی اخباری از این کشور منتشر شده که هرکس مقررات را زیر پا بگذارد، بدون هشدار با شلیک گلوله کشته می‌شود. البته با توجه به اینکه اخبار درباره این کشور چندان موثق نیست، سازمان ملل هم ناگزیر شده است به شنیده‌ها اکتفا کرده و بر اساس آن بیانیه صادر کند. آن‌طور که «کیم تونگ هیونگ» از آسوشیت‌پرس گزارش کرده است: «بازرسان حقوق بشر سازمان ملل از کره‌شمالی خواسته‌اند تا توضیح دهد آیا سربازان دستور شلیک مستقیم به ناقضان قرنطینه را دارند؟ آیا قرار است در صورت نقض قرنطینه و عبور از مرزهای شمالی این کشور، به آنها شلیک کنند؟». این درخواست بازرسان بر اساس اخباری است که سایت Daily NK منتشر کرده است. در این سایت عکس یک پوستر متعلق به ۲۰۲۰ منتشر شده است که در آن اقداماتی را که در پی بسته‌شدن مرز شمالی کره‌شمالی با چین و روسیه قرار است انجام شود، توصیف می‌کند. پوستر یک منطقه حفاظتی یک تا دو کیلومتری (۰٫۶۲-۱٫۲۴ مایل) را توصیف و اعلام می‌کند هر فردی که به صورت غیرمجاز وارد کره‌شمالی شود «بدون قید و شرط مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد». همچنین تأکید شده است که متجاوزان سایر کشورها که در اطراف رودخانه‌های یولو و تومان یافت شوند، «بدون هشدار قبلی» تیرباران خواهند شد. این پوستر متعلق به سال قبل است؛ اما در نامه‌ای که وب‌سایت دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد چند روز پیش منتشر کرده است، گزارشگران ویژه از این دستور ابراز نگرانی کرده‌اند. آنها همچنین گزارش‌هایی مبنی بر اینکه توزیع و دراختیارداشتن محصولات فرهنگی کره‌جنوبی با هرگونه محتوای جنسی با مجازات اعدام روبه‌رو است، دریافت کرده‌اند. این تصمیم در دسامبر گذشته به تصویب رسیده است. Daily NK همچنین عکس‌هایی از سندی را منتشر کرد که به این قانون اشاره می‌کند و هدف آن ریشه‌کن کردن «اندیشه و فرهنگ ارتجاعی» است. طبق گزارش این سایت، این قانون مجازات اعدام را برای واردات یا توزیع محصولات فرهنگی از کره‌جنوبی و دیگر کشورهای «صحنه‌ها» مانند ایالات متحده و ژاپن تعیین کرده است.

نامه گزارشگران سازمان ملل چند هفته پس از آن

در میانه اخبار هولناک از افغانستان همچنان شعله‌های امیدبخشی هم می‌روید؛ آن‌هم از دل جامعه زنان این کشور که گویا مهم‌ترین گروهی هستند که با قدرت گرفتن طالبان تهدید می‌شوند. اگرچه این روزهای افغانستان بوی خون و باروت می‌دهد و حالا از میان آوارهای میدان هوایی کابل جنازه بیرون می‌آورند اما یک خبر امیدوارکننده در رسانه‌های افغانستان منتشر شده که مطمئنا همچون خاری در چشمان طالب‌ها می‌خلد. «سلگی» دختری از کابل نفر اول رقابت‌های کُکنکور ۱۴۰۰ در افغانستان شده است. اداره ملی امتحانات کُکنکور با آنجان که افغانستانی‌ها می‌گویند «کانکور»، نتایج آزمون عمومی سال ۱۴۰۰ را اعلام کرد. طبق اعلام این اداره، اسمال دختری به نام «سلگی» از کابل، با کسب ۳۵۲٫۵۷۵ نمره، اول نمره عمومی کُکنکور اسمال شده است. سلگی از «لیسه محمداکبر خان پامیر» در کابل فارغ شده است. به همین ترتیب از قاجاقچیان قرار داده است و به آنها «تیراندازی شده است». دستور کشتن در محل «با هدف جلوگیری از ورود ویروس به کشور» بوده است؛ اما بعدا در همان ماه، نیروهای کره‌شمالی یک مقام دولتی کره‌جنوبی را تیرباران کردند. این مقام در یک قایق در حال حرکت در دریا در نزدیکی مرز بین کشورها پیدا شده بود که او را تیرباران کردند و کشتند. مرز شمالی کره‌شمالی با چین یک نقطه ترانزیت برای کالاهای قاچاق بود و معلوم نیست که آیا این دستور ادعایی درباره منطقه غیرنظامی بسیار مستحکم جداکننده کره‌ها نیز اعمال خواهد شد یا خیر؟

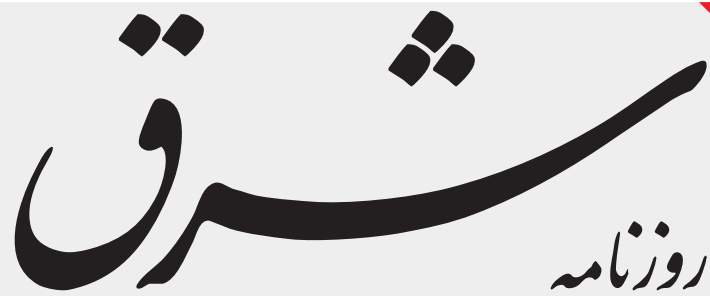
وزارت اتحاد کره‌جنوبی که امور مربوط به شمال را بر عهده دارد، روز جمعه گفت نمی‌تواند گزارش‌های مربوط به کنترل شدید مرزهای شمالی و مجازات اعدام را تأیید کند. کره‌شمالی تقریباً از ابتدای همه‌گیری سال گذشته مرزهای خود را تقریباً بر روی تمام ترده‌ها مسدود کرد. این کشور ورود گردشگران را ممنوع کرد و دیپلمات‌ها و دیگر خارجیان مجاز را به امید محافظت از خود در برابر ویروس کرونا ترک کرد. با وجود شک و تردید گسترده، ادعا می‌شود که یک مورد عفونی را تأیید نکرده است.

هفته پیش بود که اعلام شد قرار است فیلم تدوین‌شده نمایش «چهارراه» به کارگردانی و نویسندگی «بهرام بیضایی» در کابل بوتیوب دانشگاه استنفورد نمایش داده شود. ۱۴ سال پیش آخرین باری بود که اثری از او را در سالن اصلی تئاتر شهر دیده بودیم؛ «افرا یا روز می‌گذرد». دو سال قبل‌ترش هم در سال ۸۴ «مجلس شبیه استاد نوید ماکان و همسرش مهندس رخشید فرزین» را روی صحنه برده بود. ما مشتاقان هر اجرای او که فکر می‌کردیم هر اثری از او می‌تواند خارق‌العاده باشد، ساعت‌ها برای گرفتن بلیت در صف می‌ایستادیم، یا روزها و روزها صبر می‌کردیم تا در نهایت ایستاده در کنجی از بالکن به تماشای اجرای درخشان دیگری از او بایستیم. حالا دیگر تکنولوژی به مددمان آمده بود. در خانه هستیم و تنها ندغغهمان می‌شود فیلترشکن! اینجا همه مقدمه‌ای بود برای اینکه بنویسم و به یاد داشته باشم چقدر جای «بهرام بیضایی» در ایران خالی است. چقدر بدون او تئاتر و سینمای ایران چیزی کم دارد و چقدر مشتاق بودم که قرار است اثری از او را ببینم؛ اثری که دیگر نه سانسوری در میان باشد و نه حذیفاتی. هنر هنرمند، بی‌واسطه در اختیارمان بود و چه هولناک بود این تجربه. تماشای این «چهارراه» که پر بود از سرگردانی، ندانستن، گم‌شدن، غریبه‌بودن، تنهابودن، گرسنگی تا حد خوردن دستمال‌کاغذی، صورت کتک‌خورده، سوءتفاهم، در اشتیاق مهاجرت، در تردید دل‌کندن و...، تئاتری که ما فیلمش را دیدیم، مثل دیگر آثار بیضایی، ویژگی‌های منحصربه‌فردش را داشت؛ صحنه‌ای متفاوت، دیالوگ‌هایی پرطمطراق و البته این بار مواجهه با واقعیت تلخ «وطن». صحنه‌ای چهارگوش که تماشاگران دورتادورش نشسته بودند، حتی دو بار نیز نمایش قطع می‌شد تا ما را در تردید قرار دهد. متنی پر از تگ‌گویی درخشان، لایه‌لایه، با داستان‌های موازی، ترسیم فضایی که ما را در لحظاتی پیاد «داگویل» می‌انداخت و آن فضای سیاه و پر از ترس، اما یک شوخی بزرگ و تلخ با ما کرده بود؛ با ما و کسانی که هنوز در «وطن» مانده بودیم. آری ما نتوانسته بودیم رها شویم. هر روزمان همین بود، این اگر نمایش بود، زندگی ما بود، پر از واقعیت، این ما بودیم، تک‌تک لحظه‌هایش را زندگی کرده بودیم. این بار، بیضایی ما را در برابر آینده زندگی هرروزه‌مان قرار داده بود. انکار خبرهای ایران اینترنشنال... و بقیه برایمان کافی نبود. هرچند استاد بیضایی اثر را سال‌های ۸۸ نوشته بود. اما انکار همین دیروز و امروز بود بدون سایه «کرونا» و کشتار هرروزه‌اش. هرکدام از سیاه‌لشکرها،



الهام فخاری

سلیقه‌ای یا سوگیری‌هایی را در کار کرد؟ گمان می‌کنم خطای نخست این است که باب شده از نامزدها سیاست‌گذاری و برنامه‌هایی کلی خواسته می‌شود؛ درحالی‌که باید برنامه اقدامشان در بستر سازمان یا نهاد در باره زمانی مشخص دوره مدیریتی‌شان و از همه مهم‌تر پیوند میان برنامه اقدام با سندهای کلان و برنامه‌های توسعه روشن باشد. به سخن دیگر مدیر تازه نباید در پی به‌هم‌ریختن و زیروروکردن سیاست‌های مصوب باشد، بلکه باید نگاه و اقدام تازه خود را بر پایه بنیان‌های تصویب‌شده سازمان‌دهی کند. دستگاه‌های نظارتی و سیاست‌گذار هم باید پیوند میان برنامه اقدام مدیر تازه را با بنیان‌های سیاستی و برنامه‌ای کلان مصوب ملی و بومی بسنجند، نه اینکه به شعارها و کلی‌گویی‌ها و وعده‌هایی بدون توجه به چارچوب‌های برنامه‌ای ملی بسنده کنند. روشن است که یک کار پایسته و برجسته دیگر ارزشیابی دوره‌ای سندها و برنامه‌های کلان و بومی است که می‌تواند با همکاری دانش‌پژوهان دانشگاهی، دست‌اندرکاران اجرایی و البته منتقدان داده‌ها و یافته‌هایی با دقت بیشتر فراهم کند. هنگام پذیرفتن یک موقعیت کاری چه کسانی برای برنامه کار خود به ارزشیابی‌های معتبر برنامه ششم توسعه و سندهای جامع پرداخته‌اند و آیا مدیران گذشته و آینده به‌روشنی می‌دانند میزان تحقق برنامه‌های کلان ملی چقدر بوده، کاستی‌ها در چه زمینه‌هایی و چرا رخ داده‌اند؟ بسیاری



www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۷ شهریور ۱۴۰۰ ۲۰ محرم ۱۴۴۳ ۲۹ آگوست ۲۰۲۱

سال نوزدهم • شماره ۴۰۸۲ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۵ • اذان مغرب ۱۹:۵۴

اذان صبح فردا ۵:۰۷ • طلوع آفتاب ۶:۳۵

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرا

هفته نوشت

بی‌توجهی به برنامه‌های کلان کشوری

تسلط سلیقه و سوگیری

از ما انتخاب یا انتصاب‌ها را به تماشـا نشسته‌ایم، بدون آنکه نسبت کار و پیشینه و برنامه اقدامشان را با سندها و برنامه‌های کلان کشور سنجیده باشند و بی‌آنکه بدانیم در مقایسه با خط‌کشی به نام برنامه ملی یا شهری چه راه و روشی در پیش است.

سوگیری‌های سیاسی در رفت‌وآمدها پرنرنگ‌تر از ارزشیابی و مقایسه سندهای ملی با برنامه‌ها هستند؛ از این‌رو است که رنگ‌بویی سلیقه‌های سیاسی و دسته‌ای بر کار اصلی چیرگی می‌یابد. همواره در بازه‌های گوناگون کاری‌ام از خود می‌پرسم چند درصد مدیران کشور ما از سندهای پایه و برنامه‌های ملی یا بومی آگاه هستند، چقدر تسلط دارند و چند وقت یک بار برنامه اقدام خود را با سنجه‌هایی در مقایسه با سندها و برنامه‌های کلان ارزشیابی می‌کنند. چند درصد از مدیران می‌دانند که میزان تحقق برنامه ششم توسعه به مثابه یک سند برجسته ملی چگونه بوده و کارکرد خود مدیر تا چقدر در راستای برنامه پیش رفته است؟ آیا در کشور ما کارنامه و کارکرد مدیران یا چه‌سا کارکنان بر پایه ارزش‌ها و سندها و برنامه‌های کلان ملی و بومی سنجیده می‌شود؟ گمان می‌کنم اگر چنین بود، آفرین‌ها و نفرین‌ها جور دیگری می‌شد. از مدیران هنگام آمدن بیش و پیش از برنامه یا پیش‌نویس سیاستی نوین، بخواهیم برنامه اقدام در راستای سندها و برنامه‌های کلان ملی و بومی را ارائه دهند. با شعارهای تندوتیز کیری پیش نمی‌رود.

چهارراه بیضایی

آینه‌های روبه‌روی وطن و ما

گیسو فغفوری

وطن مانده‌اند، تلاش می‌کنند تا تغییر به وجود آورند. او هیچ شباهتی به «ئیلوفر بیانی»، مادر سام رجبی، مادر بهنام محجوبی و مادرهای دیگر ندارد. این «نهال» هیچ شباهتی به دیگر زنان امروز ما ندارد؛ چه آنان که ساعت‌ها برای تغییر تلاش می‌کنند، چه آنها که امروز می‌خواهند وطن را دوست‌داشتنی‌تر کنند. اما بهرام بیضایی به خوبی همه جزئیات را آورده و کنار هم قرار داده بود. همه ما در چایخانه وطن میهمانیم. میهمان جیب خودمان. او به درستی تمام این لحظه‌ها را ترسیم کرده بود و پس از دیدن اجرای «چهارراه» لحظه‌ای نمی‌توان تردید کرد که چرا او مهاجرت کرد، همه اینجا می‌توانند دلیلی باشد برای رفتن و دل‌کندن. رفتن و رفتن و ساختن و خلق‌کردن. کسی از بهرام بیضایی انتظار نداشت بماند تا همچون «ناصر تقوایی» شود مسجل تمام فیلم‌های ساخته‌شده، سمبل تمام حسرت‌های یک کارگردان. فرزندان ما نیاز دارند تا بدانند ما در چه دنیایی، در چه روزگاری، در چه حس و حالی زندگی کردیم. ما باید یادگیری از روزهایی که پشت سر گذرانیدم داشته باشیم و «بهرام بیضایی» توانست بخشی از ما را در اثرش زنده نگه دارد. وقتی «چهارراه» را می‌بینید، از ته دل می‌فهمید واقعا وطن «از نمی‌توان همچون بنفشه‌ها با خود برد» و با تمام وجود می‌فهمیم چه رؤیای دست‌نیافتنی است اگر از هنرمندی بخواهیم به‌سرانجام برشته شود، خلق نکند. هرچند در جای جای این اثر هم می‌توان حسرت را دید، حسرت تلاش‌های به‌سرانجام‌نرسیده، حسرت پشت حسرت! امیر نادری در بزرگداشتی که برای دهمین سال حضور «بیضایی» در استنفورد گرفته بودند، می‌گفت که بیضایی بارها از اینکه کار ناتمام بسیاری دارد ابراز ناخرسندی کرده است. می‌گفت بیش از ۵۰، ۶۰ سناریو و فیلم‌نامه و طرح اجراشده دارد. خود او ۳۰ سال است ایران را ترک کرده اما می‌گفت «بیضایی» مانند ماهی افتاده در تنگ است؛ اما اینجا هم سر کلاس می‌رود، شان و مقامش رعایت می‌شود. حالا یکی از آرزوهای کارگردان، نصفه و نیمه، به نتیجه رسیده است. قرار بود که «چهارراه» تبدیل به فیلم شود که کرونا نگذاشت و اکنون، فیلم این نمایش که سال ۸۸ و پیش از مهاجرتش نوشته است، با تدوین خودش به مدت سه شب در کانال یوتیوب استنفورد در حال نمایش است. البته ساکنان کالیفرنای شمالی این فرصت را داشتند که در بهار ۱۳۹۷ اجرای آن را به مدت یک هفته در سالن رایلی استنفورد از نزدیک ببینند. همان متنی اجرا شده بود که در سال ۱۳۹۶ انتشارات روشنگران منتشر کرده بود.





ایندیپندنت: مقام‌های طالبان اعلام کرده‌اند از پرتره ملکه در داخل سفارت بریتانیا در کابل، تا زمانی که لندن این گروه را به‌عنوان رهبران این کشور به رسمیت بشناسد، مراقبت خواهند کرد. یکی از فرماندهان طالبان گفته است: «ما تحت فرمان‌های سخت‌گیرانه‌ای هستیم و شان امارت اسلامی به توانایی ما در مراقبت از اماکن دیپلماتیک از جمله سفارت بریتانیا وابسته است.»



یورونیوز: سید احمدشاه سادات پیش از آنکه در دسامبر گذشته به آلمان برود، در افغانستان وزیر مخابرات بود. درحال حاضر او پیک غذا در شهر لایپزیک است. او گفت که برخی در افغانستان به او به‌خاطر داشتن چنین شغلی پس از دو سال وزارت انتقاد کردند. اما برای او در حال حاضر «شغل، شغل است».



کاردین: نیکو مدهوسودان، ستاره‌شناس برجسته دانشگاه کمبریج، در مقاله تازه خود از احتمال پیداکردن حیات در سیارات فراخورشیدی خبر داد. پس از یافتن سیاره قابل سکونتی که دو برابر زمین شعاع و بیش از هشت برابر جرم دارد، به این باور رسیدند که احتمال وجود حیات در سیاراتی که مشابه زمین نیستند، بسیار بالاست.



ایسننا: صادق صفایی، بازیگر تئاتر، سینما و عضو هیئت‌علمی گروه هنرهای نمایشی دانشگاه تهران درگذشت. صفایی در تعداد درخور توجهی از فیلم‌های سینمایی از جمله «از کرخه تا راین»، «آژانس شبشه‌ای»، «من و زیبا» و... ایفای نقش کرده است و برای «از کرخه تا راین» موفق به کسب سیمرغ بازیگر مکمل مرد از جشنواره فجر شده بود.



اینستاگرام: آنجلینا جولی که بعد از رویدادهای افغانستان و برای آگاهی‌بخشی درباره وضعیت زنان این کشور به اینستاگرام آمده، با انتقاد از سیاست‌های آمریکا در این کشور نوشته که آمریکا فاقد استراتژی برای نظارت و حمایت از زنان و جامعه مدنی در افغانستان است و او به‌عنوان یک آمریکایی از نحوه خروج آمریکا از افغانستان شرمسار است.



دیلی‌میل: ایلان ماسک به خاطر اعتراض اخیر آمازون به اسپیس‌ایکس، قصد دارد جف بزوس، رقیب خود در حوزه فضا را در رسانه‌های اجتماعی تخریب کند. ماسک در تویت جدید خود به انتقاد از بزوس پرداخت و عنوان کرد: به نظر می‌رسد بزوس بازنشسته شده تا بتواند یک کار تمام‌وقت داشته باشد و از اسپیس‌ایکس شکایت کند.